

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش : امین الدین «سعیدی- سعید افغانی»

۲۴ اپریل ۲۰۱۱

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان

ومسؤول مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی

تسبیح در شریعت اسلامی

کلمه تسبیح در زبان عربی به الفاظ (سُبْحَه و مُسْبَحَه) ذکر گردیده است.

تسبیح، یا سبحة، عبارت از ، دانه‌های نباتی ، و دانه‌های سنگی و یا دانه‌های شیشه است که مسلمانان توسط آن بعد از ادای نماز و یا هم در وقت‌های مختلف مصروف ذکر پروردگار خویش می‌گردند، و برخی هم در مساجد تعداد اذکار خویش را بر آن می‌شمارند .

خواننده محترم !

میخواهم درین نوشته مقاله موضوعاتی را در مورد اینکه اولین بار تسبیح توسط کدام انسانها مورد استفاده قرار گرفته؟ تسبیح چطور به ادیان آورده و مروج شد؟ مسلمانان از کجا به تسبیح رو آوردند؟ و اینکه استعمال تسبیح برای اذکار از روش پیامبر بزرگوار اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم میباشد و یا اینکه استعمال تسبیح بدعت است طوری که برخی از علمای اسلام بدان عقیده دارند؟ مورد بحث قرار دهم .

تاریخچه تسبیح:

در مورد اینکه تسبیح توسط کدام یکی از مردمان جهان برای کدام هدف و منظور اختراع و مورد استفاده قرار گرفته است، اطلاعات دقیق و همه جانبه در نوشته محققین در دست نیست، اما در نوشته‌های برخی از علماء و نویسندگان و محققان، بر این امر تأکید شده است که تسبیح ظاهراً در بسیاری از تمدنهای گذشته و قدیم وجود داشته و انسانها معمولاً آن را وسیله‌ای برای ثبت اعداد، روزها، هفته‌ها و ماه‌ها مورد استفاده قرار می‌دادند.

محققان مینوسند:

تا آنجائی که بشریت می داند در بسیاری از جوامع قدیم مانند یونان، روم، مصر و هند از تسبیح برای نگهداشت روزهای تاریخی و جشن های ملی و دینی و در برخی از اوقات برای طلسم و تعویذ و وسیله تفال و تزیین، یا نشانه ورود به مرحله ای خاص در ادیان مورد استفاده قرار می گرفت.

حتی برخی از محققان در مورد تسبیح می نویسند که از تحقیقات به دست آمده طوری معلوم میشود که در برخی از کشور های افریقای مرکزی زنان حامله از تسبیح برای شمردن روز و ماه های حمل، ومدت حمل خویش استفاده به عمل می آوردند و به اصطلاح از تسبیح برای حساب و محاسبه زمان حمل داری استفاده می کردند.

اما با گذشت زمان و تحول و پیشرفت حتی همین مردمان از وسیله تسبیح در امور حمل و ازدواج کمتر و محدود استفاده به عمل آورده و امروز تسبیح نه به حیث وسیله ای ماشین حساب بلکه تسبیح، بیشتر در امور دینی و مذهبی عبادات و اذکار مورد استفاده قرار می گیرد.

اگر تاریخ ادیان را در بخش اذکار و اوراد مورد مطالعه قرار دهیم، در خواهیم یافت که، اکثر آ پیروان ادیان در اجرای مراسم و عبادات دینی و مذهبی خویش از دانه های تسبیح و یا سنگ ریزه های مشابه به دانه های تسبیح، استفاده به عمل آورده اند.

اکثریت نویسندگان و محققانی که در مورد تاریخچه تسبیح تحقیقات نموده اند می نویسند:

که کهن ترین سند مکتوب مربوط به استفاده از تسبیح، در متون و ادبیات هندی به طور آشکارا به نظر می رسد که به رواج استفاده از تسبیح میان برهنها اشاره می کند.

در فلسفه بودا، هر بودائی با در دست داشتن تسبیح به مثابه جزئی از کل و دانه های مهره ای کنار مهره های دیگر رشته ای را تشکیل می دهد که نهایتاً به زعم شان به بودا متصلشان می کند.

تسبیح در ادیان و مذاهب مختلف مانند اسلام، رومن کاتولیک، مسیحیت ارتدکس، بودئیسم، هندوئیسم، سیخسیم و بهائی برای شمردن عدد تسبیحات، ذکر و دعا، مناجات (و نیایش ها) به کار می رود.

همچنین از آنها برای مدیتیشن و عبادت، محافظت در مقابل انرژی های منفی و آرامش استفاده می کنند.

برخی از محققان پیدایش تسبیح را به ادیان مسیحیت و برخی دیگری از نویسندگان پیدایش تسبیح را به هندوئیسم نسبت می دهند ولی به احتمال تعداد زیاد از نویسندگان از دین مسیحیت به سایر ادیان راه یافته است.

عدد دانه های تسبیح در ادیان:

عدد دانه تسبیح مسلمانان معمولاً به ۳۳ دانه یا ۹۹ دانه (تعداد نامهای پروردگار، اسم از اسماء الحسنی) می رسد.

تسبیح بودائیها به نام (جاپا مالایا مالا) شهرت دارد و تعداد دانه های تسبیح شان معین نیست. اما تعداد تسبیح هندوهای برهن و سیخها معمولاً به (۱۰۹) دانه بالغ می گردد.

تسبیح مسیحیان به نام (رزاری) شهرت دارد، تعداد دانه های تسبیح مسیحیان کاتولیک و انگلیکان (یا به اصطلاح دانه های رزاری شان) از (۵۴ دانه + ۵ دانه اضافی تشکیل) گردیده است.

ولی تعداد دانه های تسبیح و یا رزاری مسیحیان ارتدکس ایرلند به (۱۰۰) دانه می رسد، ارتدکس ها معمولاً از تسبیح، برای شمارش نمازگزاران از «تسبیحهای نذرانه» استفاده می کنند.

و طوری که گفته شد، تعداد دانه تسبیح شان ۱۰۰ دانه بوده ، همچنان مسیحیان ارتدکس طنابهای دعا (prayer ropes) را که تعداد دانه های شان به ۵۰ یا ۳۳ دانه می رسد ، نیز مورد استفاده قرار می دهند . قابل تذکر است که : رزاری اصلاً از کلمه لاتین رزاریوم (rosarium) گرفته شده و به معنی باغ رز می باشد . تعداد دانه های تسبیح یهودان معمولاً به ۳۲ دانه و یا ۹۹ دانه می رسد . یهودان امروز در استعمال تسبیح تحت تاثیر مسیحیان قرار گرفته اند ، اگرچه در بین یهودان استعمال تسبیح تقریباً از بین رفته و فقط در روز سبت (شنبه) که روز مقدس یهودان می باشد ، عموماً تسبیح برای سرگرمی و وقت گذرانی و احياناً برای سرگرمی مورد استفاده قرار می گیرد .

تسبیح اسلام :

محققان بدین باور اند که که مسلمانان به گمان اغلب تسبیح را از بودائیها ی هند گرفته باشند، ولی برخی دیگر از محققان بدین باور اند که مسلمانان تسبیح را از مسیحیان به ارث گرفته اند.

آیا استفاده از تسبیح بدعت است :

در مورد اینکه تسبیح به خاطر ذکر و اذکار به خصوص بعد از نماز سنت است یا بدعت ، اکثریت مطلق از علماء ، مفسران و در جمع اکثریت مطلق فقهاء و مجتهدین ، استفاده از تسبیح را برای ذکر کردن چه بعد از نماز باشد و یا هم در اوقات دیگر غیر نماز باشد بدعت و یا هم حرام نمی دانند ، ولی همه علماء در این مورد متفق القول حکم می فرمایند :

استعمال تسبیح خلاف سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم می باشد، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم ذکر خداوند مانند تسبیح، تحمید، تکبیر و غیره را با انگشتان دست راستش انجام می دادند .

و در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و سلم آمده است : « اعقدن بالأنامل، فإنهن مسؤلات، و مستنطقات . » (روایت احمد و اهل سنن)، یعنی: « (ای زنان)، ذکر (الله) را با انگشتهايتان انجام دهید زیرا از آنها (در روز قیامت) سؤال می شود و صحبت می کنند، یعنی شاهدهی بر کار خیر بنده در روز قیامت خواهد بود .

همانطوری که که گفته شد تسبیح بدعت دینی نیست چون انسان عبادت الله را با آن انجام نمی دهد، هدف استفاده از تسبیح محفوظ نگه داشتن شمارش اذکار است . پس گفته می توانیم که تسبیح وسیله است نه مقصود .

ولی همانطوری که که گفته شد مسلمانان و به خصوص نمازگزاران به متابعت از سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم ، تسبیحات را باید با انگشتان خود بشمارند، طوری که پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد با صراحت فرموده است « **لَأَنَّهُنَّ مُسْتَنْطَقَاتٌ** » ابوداود ۱۵۰۱ . «انگشتان سخن گو هستند» در روز قیامت شهادت می دهند .

عامل دیگری که از ذکر با تسبیح در شریعت اسلامی چندان توجه به دان بعمل نیامده است، این می باشد که در اذکار با تسبیح ، انسان توجه اساسی خویش را به دانه های تسبیح و احياناً به صدای دانه های تسبیح متمرکز می سازد، ولی قلب، فکر، چشم و گوشش به جای دیگری مشغول می باشد ، و فکر تکمیل عددی می باشد که توسط تسبیح برای اذکار خویش تعیین نموده است، بناءً همه سعی و کوششش در اینست که ذکر تعیین شده خویش را پوره کند .

استفاده از تسبیح برای شمارش اذکار مانعی ندارد، ولی اگر اعداد آن تسبیح به گونه ای باشد که فرد بپندارد باید حتماً آن تعداد را شمارش نماید، در اینحالت عمل او بدعت است .

مثلاً نماز گزار همیشه در ذهن خویش این را در نظر می‌گیرد ، که تسبیح اش دارای ۶۰ دانه می‌باشد ، به خاطر آنکه تعداد اذکار از یادش نرود کوشش به خرج می‌دهد که هر بار باید ذکر سبحان الله ۶۰ بار به زبان آرد ، نه کمتر و نه بیشتر از آن چرا که اذکار مقید به عدد معینی تسبیح ۶۰ دانه نمی‌گردیده است ، در حالیکه تعیین عدد و مقید ساختن این عبادت به ارقام ، در دین مقدس اسلام بدعت می‌باشد ، زیرا محدود کردن ذکر سبحان الله به عدد شصت در شریعت وارد نشده است، ولی اگر فردی حساب را فراموش می‌کند، او می‌تواند تسبیحی با ۳۳ دانه در اختیار داشته باشد تا هر بار پس از نمازهای فرض اذکار (سبحان الله) و (الحمد لله) و (الله اکبر) را یک دور بخواند. ولی طوری که گفته شد برای شخص مسلمان لازم است تا به پیروی از سنت عملی پیامبر صلی الله علیه وسلم با دستهایش اذکار را بشمارد.

همچنان ملاحظه فرموده باشید که آن‌عه از کسانی که ذکر را صرف توسط دانه های تسبیح انجام می‌دهد ، صرف در زبان مصروف گفتن اذکار می‌باشد ، و قلبش طوری که لازم است از ذکر اذکار غافل می‌ماند و یا بدون اهتمام و توجه قلبی این اذکار صورت می‌گیرد ، ولی در ذکر با انگشتان توجه و اهتمام قلب در اذکار بیشتر حاصل می‌گردد.

سومین مسأله‌ای که علماء در ذکر با انگشت بدان تأکید می‌ورزند اینست که در ذکر با تسبیح ریا به عمل می‌آید. هستند افرادی که چون ذکر را دوست دارند يك تسبیح با دانه های صدا دار با خود داشته می‌باشد برای دیگران در ، زبان حالشان می‌گوید: نگاه کنید ما به اندازه همه این دانه ها الله تعالی را تسبیح می‌گوئیم. از الله تعالی آمرزش می‌خواهم از این که ایشان را متهم کنم ولی از این کار آنها واهمه می‌دارم.

با توجه به موارد ذکر شده مناسب است تسبیحات به انگشتان صورت گیرد و نه بر دانه های تسبیح .

مسأله دیگری که شایان ذکر می‌باشد این است که تسبیحات را باید با انگشتان دست راست شمارش نمود. به خاطر اینکه سنت عملی پیامبر صلی الله علیه وسلم این بود که با دست راست تسبیح می‌گفت. بدون شك دست راست از دست چپ بهتر است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم از غذا خوردن و آشامیدن با دست چپ نهی کرده و انجام این کارها را با دست راست امر کرده است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: « **يَا غُلَامُ سَمِّ اللَّهَ وَكُلْ بِيَمِينِكَ وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ** »

(ای پسر! بسم الله بگو و با دست راست بخور و از جلوی خودت بخور). بخاری ۵۳۷۶ – مسلم ۲۰۲۲.

و می‌فرماید: « **إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِيَمِينِهِ، وَإِذَا شَرِبَ فَلْيَشْرَبْ بِيَمِينِهِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ** » (هر گاه انسان غذا می‌خورد با دست راست میل کند و هر گاه آب می‌نوشد؛ بادست راست بنوشد چرا که شیطان با چپ می‌خورد و می‌نوشد).

لذا به خاطر پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بهتر است که انسان با دست راست تسبیح بگوید.

پیامبر صلی الله علیه وسلم تمام کارهای مهم و حیاتی که دوست می‌داشت با دست راست انجام دهد؛ پوشیدن بوت ها ، شانه زدن مو و غیره ...

خواهران و برداران محترم!

با دلایلی مؤجذ که در فوق تذکر رفت حکم اسلامی اینست که ، ذکر با تسبیح در دین مقدس اسلام بدعت نیست. چون منظور از بدعت بدعتی است که در دین باشد و هدف از ذکر با تسبیح، محفوظ نگهداشتن عدد تسبیحات

است که تسبیح برای این کار وسیله مناسبی است. اما در ضمن گفته شد که شماریدن اذکار با انگشتان سنت و بهتر است.

ولی برخی از علماء و فقها استفاده از تسبیح را برای شماریدن اذکار به خصوص بعد از نماز، چون این عمل توسط پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب کبار صورت نگرفته، آنرا بدعت دانسته و چنین استدلال مینمایند.

تسبیح بدعت است:

در روایت اسلامی آمده است :

که عمرو بن یحیی می گوید:

از پدرم شنیدم که از جدم حکایت می کرد که او گفت: ما قیل از نماز صبح بر دروازه منزل عبدالله بن مسعود رضی الله عنه (صحابی گرانقدر پیامبر صلی الله علیه وسلم) می نشستیم تا اینکه او بیرون می آمد و همراه با او به مسجد می رفتیم، در یکی از روزها که کنار دروازه ایشان به انتظار نشسته بودیم، ابو موسی اشعری به نزد ما آمد و پرسید: ابو عبدالرحمان تاکنون بیرون نیامده است؟ گفتیم: خیر، او نیز با ما منتظر ماند تا اینکه عبدالله بن مسعود رضی الله عنه خارج شد و همه برخاستیم و نزدش رفتیم، ابو موسی رضی الله عنه به او گفت: ای ابو عبدالرحمان، اندکی پیش در مسجد امری ناآشنا مشاهده کردم و البته به حمد الله چیزی جز خیر ندیدم.

-این مسعود رضی الله عنه: چه دیدی؟

-ابو موسی رضی الله عنه: اگر زنده ماندی خود نیز آن را خواهی دید، مردمی را دیدم که در مسجد حلقه زده و به انتظار نماز نشسته بودند و سنگریزه هائی در دست داشتند و در هر حلقه ای مردی با صدای بلند می گفت: صدمرتبه لاله الا الله بگوئید و آنها نیز می گفتند، سپس می گفت: صدمرتبه سبحان الله بگوئید و آنها نیز می گفتند.

-این مسعود رضی الله عنه: تو به آنها چه گفتی؟

-ابو موسی رضی الله عنه: چیزی نگفتم، به انتظار نظر و امر تو ماندم.

-این مسعود رضی الله عنه: چرا به آنها نگفتی تا بدیهای خود را بشمارند؟ و به آنها ضمانت ندادی که از خوبیهایشان چیزی گم نمی شود؟

عبد الله بن مسعود رضی الله عنه به راه افتاد و ما نیز همراه او حرکت کردیم تا اینکه نزد یکی از آن حلقه ها آمد و کنار آنان ایستاد و پرسید: مصروف چه کار هستید ؟

گفتند: ای ابو عبدالرحمان، با این سنگریزه ها اذکار و تسبیحات را می شماریم.

-این مسعود رضی الله عنه: بهتر است بدیهای خود را بشمارید من ضامن هستم که از نیکی های شما چیزی گم نشود، وای بر شما، ای امت محمد، چه زود دارید هلاک می شوید، یاران پیامبر شما در همه وجود دارند، لباسهای پیامبر صلی الله علیه وسلم تا کنون کهنه نشده و ظرفهایشان هنوز نشکسته اند، سوگند به خدائی که جانم در دست اوست، یا شما بر دینی برتر از دین محمد هستید و یا اینکه گشایندگان دروازه ضلالت و گمراهی هستید.

ای ابو عبدالرحمان: والله، ما اراده ای جز خیر نداشتیم.

-این مسعود رضی الله عنه: چه بسیارند افرادی که اراده خیر دارند اما به آن نمی رسند، رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما فرمودند: گروهی قرآن را می خوانند ولی قرائت شان از ترقوه (استخوان بالای سینه و زیرگردن) آنان نمی گذرد، سوگند به الله، نمی دانم شاید اکثر آن افراد از شما باشند.

سپس از آنان روی گردانید. عمرو بن سلمه می گوید: بیشتر افراد آن حلقه ها را دیدم که در جنگ نهروان همراه با خوارج، با ما می جنگیدند.

(یادداشت حدیث متذکره از جمله احادیث صحیح بوده مراجعه شود به سنن دارمی حدیث شماره ۲۱۰، مجمع الزوائد هینمی ج ۱/ص ۱۸۱، السلسلة الصحيحة للالبانی، حدیث شماره ۲۰۰۵).

این روایت در برگیرنده اصول و قواعد بزرگی به شرح زیر است که تنها کسانی که از سنت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) پیروی کرده و از دستورات خدا و رسولش سرپیچی نمی کنند از آن آگاهی می یابند:

۱- علماء می گویند: کسیکه غایت و هدف را تشریح کرده، وسیله را هم فراموش نکرده است: مثلاً وقتی که الله «ذکر» را تشریح کرده وسیله آن را هم فراموش نکرده است.

طوریکه در فوق تذکر دادیم که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) با (بندهای) دست و آنهم راست خود تسبیحات را حساب می کرد و می گفت: «این (بند)ها در روز قیامت گواهی می دهند.»

۲- بدعت اضافی گمراهی است، و آن بدعتی است که اصل آن مستند به دلیلی است ولی کیفیت و روش آن غیر مستند است. این نوع بدعت را بدعت اضافی نامیده اند؛ چون نه به طور کامل مخالف سنت است و نه به طور کامل با آن موافقت دارد.

۳- پروردگار ما تنها با روشهایی پرستش می شود که خود آنها را تشریح کرده است و نه از روی هوا و عادتها و بدعتها.

۴- بدعت، سنت را از بین می برد. آن افراد بدعت گذار، روشی را برای ذکر اختراع کرده بودند که از نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت نشده بود و با این کار سنت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) را از بین بردند. و این اصلی است که سلف صالح آنرا فهمیده و به یقین دریافته اند که بدعت و سنت با هم جمع نمی شوند. تابع گرانقدر، حسان بن عطیه (رضی الله عنه) گفته است: «ما ابتدع قوم بدعة فی دینهم، إلا نزع من سنتهم مثلها»
«هر ملتی که بدعتی را در دین خود ایجاد کند، سنتی همانند آن از آنان گرفته می شود»
(دارمی با سند صحیح)

۵- بدعت باعث نابودی می شود؛ چرا که بدعت منجر به ترک سنت می شود و این گمراهی بزرگی است. صحابی گرانقدر عبد الله بن مسعود (رضی الله عنه) گفته است: «ولو ترکتم سنة نبیکم للظلمت» «اگر سنت پیامبرتان را رها کنید، گمراه می شوید.» (مسلم)

و اگر امتی گمراه شده، نابود می شود. و به همین علت بود که عبد الله بن مسعود به آن حلقه های ذکر گفت: «وای بر شما ای امت محمد! هلاک و نابودی شما چقدر سریع است!».

۶- بدعت پیک کفر است؛ چرا که شخص بدعت گذار در واقع خود را قانون گذار و نظیر خدا قرار داده و خواسته است که احکام احکم الحاکمین را از سر بگیرد و پنداشته است که وی بر آئینی بهتر از دین محمد صلی الله علیه وسلم است.

۷- بدعتها باب اختلاف که باب گمراهی است را باز می کنند. و هر کس بنیان گذار سنت بدی در اسلام باشد گناه آن و گناه هر کس که بدان عمل کند تا روز قیامت بر عهده وی خواهد بود بدون این که از گناه آنان چیزی کم شود؛ چون کسی که مردم را به شر و بدی راهنمایی می کند، همانند انجام دهنده آن است.

۸- کم اهمیت جلوه دادن بدعت ها منجر به فسق و نافرمانی می شود؛ مثلاً همان افرادی که در حلقه های ذکر مرتکب بدعت شدند، بعدها در جنگ نهروان علیه اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وسلم) که سرکرده آنها امیر المؤمنین علی بود جنگ کردند و در نهایت امیر المؤمنین علی آنان را ریشه کن کرد.

یکی از علمای اسلامی به نام حسن بن علی بر بهاری از یاران امام احمد بن حنبل (رحمه الله) گفته است:

«از بدعت‌های کوچک بپرهیز که بدعت کوچک به بدعت‌های بزرگ تبدیل می‌شوند. و هر بدعتی که در امت به وجود آمده است، در ابتداء کوچک و شبیه حق بوده و شخص بدعت گذار فریفته آن شده و بعداً نتوانسته است از آن بیرون بیاید و در نتیجه بدعت بزرگ شده و به دین شخص بدعت گذار تبدیل شده است و بدین ترتیب شخص بدعت گذار با راه راست مخالفت کرده و از اسلام خارج شده است. پس از هر کسی که یک سخن در امور دینی بشنود، نباید عجله به خرچ دهد که بدان عمل کند باید در مورد تحقیق کند، صحت و سقم آنرا در یابد و تحقیق نماید که: آیا یکی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و سلم) یا یکی از علماء در این زمینه سخنی گفته اند یا نه. پس اگر اثری از آنان را دیدی به آن تمسک کن و گرنه از آن بگذر تا وارد آتش جهنم نشوی».

(قاضی محمد بن ابی یعلی، طبقات الحنابلة، بیروت، دارالمعرفة، ج ۲، ص ۱۹-۱۸).

۹- ابن قیم الجوزیه در مدارج السالکین می‌فرماید:

اعمال نیک به نیت نیک بستگی دارد ولی نیت نیک هیچ باطلی را به حق تبدیل کرده نمی‌کند؛ چون نیت به تنهایی برای تصحیح عمل کافی نیست بلکه علاوه بر آن باید آن عمل مطابق با شریعت هم باشد.

(مواخذ: ابن قیم الجوزیه، مدارج السالکین، بیروت، دارالکتاب عربی، ج ۱، ص ۸۵).

۱۰- زیاده روی در کار نیک خوب نیست بلکه بد است. و این، امری است که در هر چیزی مشاهده می‌شود؛ چون هر چیزی که از حد خود گذشت به ضد خود تبدیل می‌شود؛ مثلاً شجاعت اگر از حد خود بگذرد به بی‌باکی و بی‌پروائی و اگر از حد خود کمتر شود به ترس تبدیل می‌شود. هم چنین کرم و بخشش اگر از حد خود بگذرد به اسراف و تبذیر تبدیل می‌شود و اگر از حد (متعارف) خود کمتر شود، بخل و خست به حساب می‌آید. پس بهترین کارها حد متوسط آن‌ها است.

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از مردی که عطسه کرده بود، شنید که گفت: «الحمد لله و الصلاة والسلام علی رسول الله» پس عبدالله بن عمر رضی الله عنهما به او گفت: پیامبر (صلی الله علیه و سلم) این چنین به ما یاد نداده است بلکه فرموده است: «ما هكذا علمنا رسول الله (صلی الله علیه و سلم) بل قال: إذا عطسأ حد کم فلیحمدالله، و لم یقل: و لیصل علی رسول الله»

«هر گاه یکی از شما عطسه کرد، حمد و ستایش خدای را به جا بیاورید و بگوید الحمد لله نفرموده که بر رسول خدا هم صلوات بفرستید.» (ترمذی)

از سالم روایت شده که گفت: «با(عبدالله) ابن عمر رضی الله عنهما در مسجد نشسته بودم که مردی شامی آمد و از او درباره حج تمتع سؤال کرد.

ابن عمر گفت: کار خوبی است. (مرد شامی) گفت: ولی پدر شما از آن نهی می‌کرد. (ابن عمر رضی الله عنهما) گفت: وای بر تو! آیا اگر پدر من از آن نهی کرده است در حالی که رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) آن را انجام داده و به آن دستور داده است، به گفته پدر من عمل می‌کنی یا به دستور رسول الله (صلی الله علیه و سلم)؟

(مرد شامی) گفت: به دستور رسول الله (صلی الله علیه و سلم) عمل می‌کنم. (ابن عمر رضی الله عنهما) گفت: پس بلند شو و برو!»

(طحاوی در کتاب «شرح المعانی الآثار» با سند صحیح آن را روایت کرده است)

نمونه هائی که بیان شد فوائد زیر را در بر دارد:

اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و سلم) هر گونه مخالفت با سنت صحیح پیامبر (صلی الله علیه و سلم) را رد کرده چه بسا ایشان سخت گیری زیادی می‌کردند هر چند مخالفان سنت، پدران، فرزندان و علمایشان بوده باشند.

مأخذ و یادداشت:

روایات تاریخی هم وجود دارد که بی بی فاطمه برای اذکار و تسبیحات خویش نخ با ۳۴ گره داشت و بعد از نماز (۳۳ سبحان الله) و (۳۳ الحمد لله) و (۳۳ بار الله اکبر) و سایر تسبیحات را به عمل می آورد .

۱- احادیث نبوی

۲- مجموع فتاوی شیخ ابن باز

۳- دروس دینی و فتوائی و بیانات شیخ امین الله

۴- مجموع فتاوی شیخ ابن عثیمین و شیخ ابن جبرین